

## محمود شیاشانی

فرزند خواجه اسحاق شهابی شیاشانی هروی، پدرش در زمان حکومت درمیش خان شاملو، کلانتر هرات بود و هنگامی که عیدخان از بک امیر بخارا بسال ۹۳۵ هرات رافتح کرد، خواجه اسحاق را با خاندانش ببخارا کوچ داد که فرزندش محمود نیز همراه بود.

چنانکه گذشت در این سفر میرعلی هروی نیز ببخارا کوچانیده شده بود، و میرعلی محمود را در این شهر بشاگردی گرفت و در تعلیم و تربیت وی کوشید. خواجه محمود در کنف تربیت و حمایت میرعلی بمراتب عالی هنر رسید، چنانکه وقتی میرعلی گفته است که «شاگردی بهتر از خود بهم رسانیده ام».

خواجه محمود پس از مدتی اقامت در بخارا، دلگیر شد و رخت سوی بلخ کشید و در آنجا سکونت گیرد و در آن شهر شهرت گرفت و در نزد بزرگان شهر عزت و حرمت یافت و مال بهم زد، چنانکه برای اعاشه نیازی بکتابت نداشت و بطور تفنن قطعه نویسی و کتابت می کرد.

وی بخوش گذرانی و لاقیدی معروف بود و در مصاحبت امرابحسن محضر معروف بود و چون از موسیقی سررشته داشت و شترغو (نوعی از آلات موسیقی) را نیکو می نواخت، بیشتر طرف توجه بزرگان بود؛ و همین بزرگداشت هاوی را غره کرده بخود می بالید، چنانکه صاحب «گلستان هنر» گوید که هر کس بدیدن اوی رفت قطعه ای از خط خود باومی داد که در غالب آنها این بیت رانوشته بود:

بود این مشق محمود الشهابی که مثلش در جهان هرگز نیابی

و این خود پسندی او بجای می رسیده بود که در آخر کار نسبت باستاد خود میرعلی، که آن مایه در پیشرفت خط وی کوشش کرده بود او را چشم فرزند می دید، جسارت و زدیده است و استاد را از خود رنجیده خاطر ساخته که در قطعه ای چنین گفته است:

خواجه محمود آنکه يك چندی  
 يساد دادم باو زقلت عقل  
 بهر تعليم او دلم خون شد  
 در حق او نرفته تقصیری  
 نيك و بد هرچه می نویسد او  
 که معلوم می شود در خطوط خود رقم استاد را می کرده است و  
 صاحب «عالم آرای عباسی» گوید خواجه محمود وقتی این قطعه را شنیده،  
 گفته است: «مولانا نيك و بد را غلط گفته، من آنچه بدمینویسم بنام او می کنم.»  
 وهم صاحب عالم آرا گوید: «اگر واقع باشد، هر چند صورت مطایبه و  
 ظرافت دارد، امانت بی ادبی است.»

بهر صورت خواجه محمود هم کتابت را خوش می کرد وهم در قطعه  
 نویسی دست داشت و لطافت و نازکی خط ویراجمله تذکره نویسان و خط  
 شناسان ستوده اند و مخصوصاً هیچ يك از شاگردان میرعلی در تقلید و اخذ  
 شیوه استاد، بخواجه محمود نرسیده اند؛ ولی اینکه بعضی خط او را برتر از  
 میرعلی دانسته اند، مبالغه است و ظاهر بقول میرعلی (که گذشت) فریفته شده اند،  
 درحالی که معلوم است، میرعلی که بدویش منشی و فروتنی معروف است،  
 خفض جناح کرده و شاگرد را بدین پایه ستوده است؛ و گرنه حق اینست که تا  
 زمان میرعماد هیچيك از خوشنویسان نستعلیق مقام و پایه خط میرعلی را درك  
 نکرده اند.

اما اینکه صاحب عالم آرا خط خواجه محمود را بسید احمد مشهدی دیگر  
 شاگرد زبردست میرعلی باعتقاد اهل هرات ترجیح داده و او را قطعه نویسی بی قرینه  
 دانسته ازجهتی رواست که محمود قطعه را شاید ازسید احمد خوشتر می نوشته  
 و با اینکه در کتابت دست قوی داشته هرگز بقدرت و ملاحات سید کتابت نکرده  
 است؛ مخصوصاً که هم صاحب عالم آرا گوید که در آخر عمر در شیوه خود  
 تصرفاتی کرد که پسندیده از باب تمیز نبود.

(۱) این قطعه پنج یثی درسه بیت بصورت ذیل درعالم آرا نقل شده

است:

بود شاگرد این فقیر حقیر	خواجه محمود گرچه یکچندی
گرچه اوهم نمی کند تقصیر	در حق او نرفت تقصیری
می کند جمله را بنام فقیر	هرچه خود می نویسد از بدو نيك

اینکه صاحب عالم آرا محمود را جز و خوشنویسان دوره شاه طهماسب اول صفوی (۹۳۰-۹۸۴) آورده است، البته مقصود او ذکر خوشنویسان عصر اوست نه اینکه جز و خوشنویسان متعدد در بارشاه طهماسب باشد.

از متاخرین، میرزا سنگلاخ محمود را سخندان و حکیم و ریاضی دان و طبیب دانسته و بحسب معمول خود او را بعنوان «عین الزمان» ملقب ساخته که البته صحت این قول معلوم نیست و میرزا حبیب گوید که در هرات در گذشته نادر است، که بنا بقول صاحب گلستان هنر و دیگر متقدمان، تا آخر عمر در بلخ زیسته و همانجا وفات یافته است.

تاریخ وفات خواجه محمود را سپهر، سال ۹۴۰ ضبط کرده که روانیست و اینکه در تذکره خوشنویسان هفت تلمی سال مرگ او ۹۶۰ ذکر شده، نیز صحیح نیست که ترجمه احوال محمود نیشابوری «مخلص» تخلص را با محمود سیاوشانی خلط کرده است و بهر حال تاریخ وفات خواجه محمود مشخص نیست؛ ولی هنگام تالیف «ریحان نستعلیق» یعنی سال ۹۸۹ هنوز در بلخ می زیسته است و نیز از آثار تاریخ دار وی تا تاریخ ۹۹۳ دیده ام و بدینقرار پیداست که عمری دراز در حدود هشتاد سال داشته است.

از تذکره نویسان، صاحب قواعد خط و طور ریحان نستعلیق آورده اند که خواجه محمود جز نستعلیق، خط تعلیق را نیز خوش می نوشته است؛ ولی جز و آثار فراوانی که از وی دیده ام، حتی سطری جز خط نستعلیق ندیده ام. برخلاف گفتار صاحب گلستان هنر که گوید از آثارش اندکی موجود است، بسیاری از کتابها و قطعات بخط وی دیده ام بدینقرار:

دیوان هلالی، بقلم کتابت خوش بارقم و تاریخ: «تم ال دیوان المنسوب الی المولانا هلالی، علی ید العبد الفقیر محمود بن اسحاق الشهابی فی سنه ۹۶۶»، در کتابخانه سلطنتی، تهران؛

منتخب شش دفتر مولانا جلال الدین؛ بقلم کتابت خوش، با رقم «محمود بن اسحاق غفر ذنوبه و ستر عیوبه» در همان کتابخانه؛

اخلاق محسنی، بقلم کتابت جلی خوش، با رقم و تاریخ: «... العبد المذنب الفقیر الحقیر الی اللہ العنی محمود بن اسحاق الشهابی الهروی، غفر الله ذنوبهما فی شهر سنه ۹۶۹»، در مجموعه آقای جعفر سلطان القرائی، تهران؛

تجارت الانس جامی، بقلم کتابت خوش، با رقم و تاریخ «... محمود الشهابی... سنه ۹۹۳» در کتابخانه سرکاری، رامپور؛

بوستان سعدی، بقلم کتابت جلی خوش، با رقم «کتبه العبد المذنب

محمود بن اسحاق شهابی « درموزه آثار اسلامی و ترک ، اسلامبول ؛

نسخه دیگر از بوستان ، بقلم کتابت جلی خوش ، بارقم و تاریخ : « تمت -  
الکتاب بعون الملك الوهاب علی يد العبد الضعیف الراجی محمود بن اسحاق  
الشهابی سترعیو بهما . بدار السلطنة بلخ حفظه الله عن الافات فی شهور ثمانین و  
تسمائة ۹۸۰ » در همان کتابخانه ؛

سبحة الابرار جامی ، بقلم کتابت خوش ، بارقم « محمود بن اسحاق الشهابی »  
بدون تاریخ ، در جزو مجموعه گور کیان ، نیویورک ؛

۱۰ قطعه ، بقلمهای نیم دودانگ و کتابت عالی و ممتاز ، بارقمهای « کتبه  
العبد المذنب محمود بن اسحاق الشهابی غفر ذنوبهما » و « فقیر محمود الشهابی »  
و « کتبه العبد المذنب محمود اسحاق غفر ذنبه » و « کتبه العبد المذنب محمود بن  
اسحاق الشهابی غفر الله ذنوبهما و سترعیو بهما فی شهور سنة ۹۷۰ » از مرقع محمد  
محسن ، در کتابخانه خزینة اوقاف ، اسلامبول ؛

۲۰ قطعه ، بقلمهای دودانگ و نیم دودانگ و کتابت عالی ، بارقم « کتبه العبد  
المذنب محمود بن اسحاق الشهابی غفر ذنوبهما » از مرقع سید احمد ، در همان کتابخانه ؛

۲ قطعه ، بقلمهای از سه دانگ تا کتابت عالی بارقمهای : « لحضرة مخدر می  
مولانا میر علی سلمه الله و ابقاه ، کتبه العبد المذنب محمود الشهابی سترعیوبه »  
و « العبد المذنب محمود الشهابی ، فی سنة ۹۷۶ » از مرقع بهرام میرزا و مرقع  
شاه اسمعیل ، در همان کتابخانه ؛

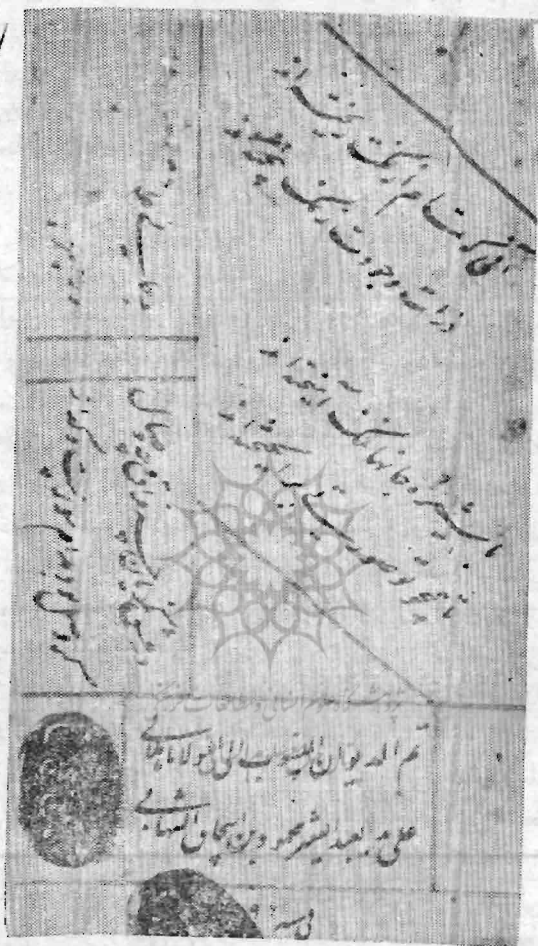
۶۱ قطعه ، بقلمهای از سه دانگ تا کتابت خوش و عالی و ممتاز ، همگی  
بارقم و بدون تاریخ ، در همان کتابخانه ؛

۱۰ قطعه ، بقلمهای از سه دانگ تا کتابت خفی خوش و عالی ، همگی با  
رقم و یکی با رقم و تاریخ : « کتبه الفقیر المذنب محمود بن اسحاق الشهابی ،  
تحریراً فی سنة ۹۸۷ » از مرقع محمد صالح ، در همان کتابخانه ؛

۷ قطعه ، بقلمهای از سه دانگ تا کتابت خوش و عالی ، همگی با رقم و یکی  
بارقم و تاریخ « تحریراً فی شهور سنة ۹۸۸ » کتبه العبد المذنب محمود بن اسحاق  
الشهابی غفر ذنوبهما » در مرقرعات مختلف ، در همان کتابخانه ؛

۲ قطعه بقلمهای دودانگ و کتابت خوش و عالی ، بارقم بدون تاریخ ، از  
مرقع ، در کتابخانه روان خوشخو ، اسلامبول ؛

۱۷ قطعه ، بقلمهای از چهار دانگ تا کتابت خفی ، همگی با رقم بدون  
تاریخ ، در کتابخانه های ملی و سپهسالار و سلطنتی و نگارنده ، تهران ؛  
آستانه رضوی ، مشهد ، سرکاری ، رامپور .



نمونه خط محمود سیاوشانی